



نهضت حکمی در ایران از گذشته تاکنون مستمر بوده است

برخلاف سایر ممالک اسلامی که در آنها گرایش های ضدعقلی و ضد حکمی رواج داشته و اکنون اثرات آن را می بینیم نهضت حکمی در ایران همواره مستمر بوده است.

برخلاف سایر ممالک اسلامی که در آنها گرایش های ضدعقلی و ضد حکمی رواج داشته و اکنون اثرات آن را می بینیم نهضت حکمی در ایران همواره مستمر بوده است.

به گزارش خبرنگار مهر، نخستین نشست علمی از سلسله نشست های «طرح تبیین ظرفیت و جایگاه بین المللی فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی» با تاکید بر علوم انسانی و هنر با سخنرانی غلامرضا اعوانی از مشاوران طرح در مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

غلامرضا اعوانی در این نشست با بیان اینکه در تمدن و فرهنگ ما حکمت و فلسفه مترادف بوده، اظهار کرد: در غرب حکمت با فلسفه بسیار ارتباط نزدیک داشته است و فلسفه کلمه ای یونانی است به معنای حب حکمت. حب حکمت با حکمت ارتباط دارد و اگر نه بغض حکمت می شود. بنابراین حب حکمت همیشه باید با حکمت در ارتباط باشد و در عالم اسلام و در ایران همیشه همین طور بوده و فلسفه ارتباط نزدیکی با حکمت داشته است.

عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر افزود: نکته مهم این است که حکمت گاهی به معنای خاص به کار می رود و گاهی به معنای عام و هر دو در فرهنگ و تمدن بسیار موثر است. ایران هم دارای حکمت به معنای عام بوده و هم حکمت به معنای خاص. حکمت به معنای خاص همان فلسفه است و در میان تمام کشورهای اسلامی از دیرباز تا به امروز از خصوصیات حکمت و تمدن اسلامی این بوده که دارای حیات مستمری بوده است. این حکمت فقط در ایران بوده است و در هیچ یک از کشورهای دیگر اسلامی از گذشته تا امروز حکمت اسلامی وجود نداشته است. این کشورها اگر فلسفه دارند فلسفه را به معنای غربی آن می خوانند. بنابراین حکمت به معنای خاص از بزرگترین دستاوردهای فرهنگ و ذخیره های معنوی ما است که در ایران حیات مستمری داشته است.

چهره ماندگار فلسفه تاکید کرد: حکمت به معنای عام کلمه به معنی خرد است که همیشه در ایران بوده و از این حیث حکمت در همه ابعاد تمدن و فرهنگ تاثیر داشته و اثرگذار بوده است از جمله در جهان بینی، ادبیات، شعر، سیاست و اخلاق در زندگانی روزمره مردم در همه ابعاد تاثیر داشته است. در حالیکه حکمت به معنای فلسفه مخصوص خواص بوده است. معمولا حکمت به معنای عام با دین ارتباط دارد. ادیان پیش از اسلام و دین اسلام هم حکمت بوده است.

اعوانی با بیان اینکه آموزه قرآن درباره همه انبیاء و رسل این است که آنها معلمان حکمت بوده اند، تصریح کرد: بر اساس آیه «ای از قرآن خداوند پیش از خلقت انبیا در عهد الست از آنها میثاق گرفت که این میثاق این بود که من کتاب و حکمت را به شما داده ام یعنی اصل کتاب و حکمت است. اسلام به عنوان یک دین جهانی انسان را به آموختن حکمت ترغیب می کند. حکمت خداوند در تمام وجود حاکم است و انسان را وادار و ترغیب می کند که به آن بیندیشد. بر این اساس پیامبر فرموده است که «حکمت گمشده مومن است» کتاب مقدس قرآن هم بحث های بسیاری درباره حکمت دارد که یکی از آیه ها بر این اشاره دارد که به کسی که حکمت داده شده به او خیر کثیر داده شده است و این سخن را در نمی یابد مگر خردمندان و اولوالالباب. قرآنی که متاع دنیا را کم و قلیل می داند حکمت را خیر کثیر می داند. بنابراین اسلام هم با ادیان دیگر تفاوت هایی دارد، اسلام دین جهانی است. ادیان دیگر از یک زمین هستند اما جهانی نیستند. از دیگر ادیان جهانی، مسیحیت است ولی مسیحیت هم انحصارطلب است یعنی تمام فلاح و نجات را در مسیحیت می داند و به ادیان دیگر اعتقادی ندارد تنها دینی که جنبه جهانی دارد یعنی تمام ادیان را قبول دارد، دین اسلام است. این دین جهانی اسلام است که در آن سعی شده مسلمانان به علم و حکمت بپردازند.

وی افزود: مسلمانان در پرتو هدایت قرآنی برای آموختن و فهم حکمت تمدن و فرهنگ های دیگر کوشش کردند. حال این امر مقارن بود با نهضت ترجمه که به کوشش وزرای خردمند ایرانی انجام شد. این نهضت عظیم تمام متون فلسفی را به عربی ترجمه کرد. بنابراین حکمت به معنای خاص بوجود آمد و این فقط از یونان نبوده بلکه از ایران و هند هم بوده و یک

نهضت بین المللی بوده‌است؛ بنابراین فلسفه به معنای خاص در ایران بوجود آمد و ادامه پیدا کرد. حکمت در این سرزمین به معنای رسمی آن یک حیات مستمر داشته که تا امروز یافته است. برخلاف سایر ممالک اسلامی که در آنها گرایش های ضد عقلی و ضد حکمی در آنها رواج داشته که اکنون اثرات آن را می‌بینیم ولی نهضت حکمی در ایران مستمر بوده‌است؛ حکمت به معنای خاص در ایران ادامه پیدا کرد و هرگاه در تاریخ ایران جایی مرکز حکومت شده مرکز حکمت هم شده‌است؛ یعنی هر جایی که حکومتی بوده بلافاصله مرکز حکمت هم شده‌است.

اعوانی با اشاره به اینکه ظهور حکمت در شعرای ما و ظهور حکمت به معنای عام در همه علوم بوده است، ادامه داد: علم خودش حکمت است. منتها مراتب دارد مثل حکمت طبیعی حکمت ریاضی و علم باعث کمال نفس انسان می شود. ظهور حکمت در فنون و صناعات و هنرها هم بوده است که خیلی اهمیت دارد. ما حکمت را به نظری و عملی تقسیم می کنیم در حالیکه در قدیم حکمت ۳ بخش داشته که بخش سوم آن حکمت صناعی است که فراموش شده است. غایت حکمت نظری «حقیقت»؛ و غایت حکمت عملی «عمل به خیر» است. غایت حکمت صناعی «جمال» است یعنی آفرینش شما باید جمال، کمال و حسن باشد. این حکمت صناعی را ما فراموش کرده‌ایم که هم علوم و هم فنون شاخه ای از حکمت بوده اند در گذشته. بنابراین «در گذشته همه فنون و صناعات از شاخه های حکمت تلقی شده است. برای مثال حکمت ایرانی را در معماری ما می‌توان دید. گنبد کابوس برای این سینا و در زمان حیاتش ساخته شده است که این بنا مربوط به هزار و پنجاه سال گذشته است ولی وقتی اکنون آن را می‌بینیم انگار امروز ساخته شده است و همه مساجد جامع ما و دیگر آثار معماری زمان گذشته از این خصوصیات برخوردارند که همه بیان حکمت هنر است.

عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر در پایان گفت: بنابراین حکمت ایرانی تاثیرگذارترین حکمت دنیا بوده که اکنون این مساله اندکی به محاق رفته است که حکمت اسلامی چه به معنای عام و خاص در بزرگترین فرهنگ‌های زنده دنیا تاثیر دارد و این افتخاری است برای حکمت ما. در دوره جدید، دین از حکمت جدا شده و فلسفه هم از دین جدا شده است و حکمت به معنای عام دیگر حکمت نیست و هم در معنای خاص. جدا شدن حکمت از فلسفه در دنیای کنونی آن را دوباره به ما بازگردانده است.